

تحلیل وضعیت، جایگاه و پتانسیل های  
جامعه شیعیان در عربستان سعودی  
(2)

## تحلیل وضعیت، جایگاه و پتانسیل های جامعه شیعیان در عربستان سعودی (2)

در کشوری چون عربستان سعودی که بنیان های مشروعیت آن بر پایه اصول وهابیت و اتحاد تاریخی با آن نهفته است، شیعه زدایی و ضدیت با شیعیان، همچون یک اصل بوده و از قرن هجدهم میلادی تا به امروز، شواهد تاریخی زیادی در این زمینه به چشم می خورد. در مقاله حاضر به بررسی سیاست های تبعیض آمیز حکومت سعودی نسبت به شیعیان عربستان، در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پرداخته می شود.

### بیان رخداد

در بخش اول مقاله که تقدیم خوانندگان عزیز گردید به جایگاه و موقعیت شیعیان عربستان پرداخته شد و اینکه در چه فضایی از زیست اجتماعی بسر می برند. نکته ای که باید بدان اشاره نمود این است که با توجه به آمار قابل توجه شیعیان دوازده امامی عربستان که نزدیک به 60 درصد از جمعیت استان نفت خیز الشرقیه را به خود اختصاص داده اند، اقلیت قابل توجهی را در مرزهای سعودی و در کنار منابع اصلی نفت عربستان به خود اختصاص داده اند که می تواند در تحلیل های مربوط به جایگاه شیعیان در مرزهای عربستان سعودی مورد ارزیابی های دقیق قرار بگیرد. در ادامه و در بخش دوم از مقاله که پیش روی خوانندگان قرار دارد به بررسی سیاست های تبعیض آمیز حکومت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پرداخته می شود که سهم قابل توجه و اصلی را در محرومیت های چندگانه شیعیان داشته و باعث گردیده تا این اقلیت به نوعی در مرزهای سعودی از حقوق برابر با دیگر شهروندان عربستان برخوردار نبوده و در مقاطع مختلف این سیاست با نوسانات مقطعی همواره به عنوان یک اصل در انکار اقلیت شیعی نقش ایفا نموده است. از این رو، تحلیل این محرومیت ها به خوبی در تحلیل های مربوط به علل شکل گیری جنبش های شیعی و فعالیت های اپوزیسیون شیعیان نقش اساسی و تعیین کننده ای داشته است.

### تحلیل رخداد

در کشوری چون عربستان سعودی که بنیان های مشروعیت آن بر پایه اصول وهابیت و اتحاد تاریخی با آن نهفته است، شیعه زدایی و ضدیت با شیعیان، همچون یک اصل بوده و از قرن هجدهم میلادی تا به امروز، شواهد تاریخی زیادی در این زمینه به چشم می خورد. شیعه ستیزی تا زمانی که وهابیت از ارکان و اجزای اصلی دولت سعودی باشد، از سوی این حکومت حمایت و بنابر مقتضیات زمان و برآوردهای استراتژیک به کار گرفته خواهد شد. فرقه گرایی در عربستان سعودی پدیده ای شایع است و تبعیض بر علیه شیعیان خود را به شکل های گوناگون نشان می دهد. به لحاظ تاریخی، نظام پادشاهی مسئولیت قابل توجهی در این رابطه دارد. فرقه گرایی محصول اتحاد پادشاهی با جنبش وهابی و پیمانی است که شالوده اولین دولت سعودی را به وجود آورد. از اینرو سابقه اعمال بسیاری از رویه های تبعیض آمیز به زمان تشکیل دولت و مراحل اولیه توسعه آن بر می گردد (1). در احکامی که از سوی علمای وهابی تجویز می شود، میدان دادن به شیعیان نوعی فعل حرام تلقی می شود، چرا که این نظر وجود دارد

که اصلاحات و اعطای آزادیهای بیشتر به اقلیت های مذهبی باعث شده تا شیعیان عربستان با ایالات متحده علیه اهل سنت متحد شوند (2).

مطابق با اظهارات فعالان وهابی در دو دهه اخیر، مشروعیت حکومت سعودی در عمل متکی بر موضع و جایگاه آنان در برابر شیعیان است. توضیح و تبیین اهمیت فوق العاده فتوا در این رابطه کمک زیادی به فهم موضوع می کند. برای نمونه شیخ ناصر العمر، یکی از فعالان نوسلفی سرشناس، در سال 1993 یادداشتی برای هیأت کبار العلما (کمیته علمای ارشد) در رابطه با نفوذ شیعیان در تمامی عرصه های حکومت فرستاد. این یادداشت تلاش می کرد تا توجه دولت را به اهمیت جایگاه شیعیان، که ادعا می شد در عرصه های آموزش، بازرگانی، کشاورزی و فعالیت های تبلیغاتی رو به افزایش است، جلب نماید. در واقع هدف این یادداشت متذکر شدن این مهم به دولت است و علما بوده است که اتخاذ مواضع تساهل و رواداری در قبال شیعیان، ناگزیر موجب به مخاطره افتادن حکومت سعودی می گردد.

بر اساس روایات رسمی و متونی که در عربستان در مورد اقلیت های دینی بیان می شود اینگونه استدلال می گردد که مهمترین مانع موفقیت جهان اسلام عبارت است از: فرقه گرایی مذهبی و عدم وحدت مسلمین. یکی از بخش های بسیار مهم در زمینه داستان های تاریخی، بحث مربوط به فرقه های منحرف یا گروههایی است که از اسلام ناب جدا و دور شدند مانند سبایه «شیعه»، خوارج، باطنیه و اسماعیلیه. متون مذکور به وجود فرقه های اقلیت اشاره می کنند، ولی به پیروان آن فرق مخصوصاً شیعیان که هواخواهان زیادی در عربستان سعودی و به خصوص عراق، یمن و ایران دارد، توجهی نشان نمی دهند. مردم عربستان از ریشه ها و عقاید مذهب شیعه یعنی بخشی از هموطنان خودشان در استان شرقی این کشور بی خبرند. آنها همچنین از شیعیان ایران که در سالهای اخیر رهبری عربستان بر جهان اسلام را به چالش خوانده اند، اطلاع کافی ندارند (3).

### سیاست های تبعیض آمیز دولت سعودی

شیعیان در دوران حاکمیت سعودی ها، همواره در معرض تبعیض های رسمی و تزییع حقوق اجتماعی شان قرار داشته اند که در زیر بدان ها اشاره می گردد:

#### 1- تبعیض های مذهبی - فرهنگی

نگرش و رویکرد کلی دولت سعودی و بنیان مذهبی آنها از مواضع و دیدگاه مذهبی فرقه وهابیت در قبال شیعیان نشأت گرفته و شیعیان را از جایگاه هم سطح و هم تراز با سایر مسلمانان محروم نموده است. نکته ای که در این میان بایستی بدان توجه نمود این است که مقامات سعودی مایل به اشاعه نگرشی هستند که در آن علمای وهابی عامل اصلی و نیروی برانگیزاننده نظام تحمیل آزار و شکنجه بر شیعیان هستند. این نگرش در حقیقت برای مقامات سعودی رضایت بخش است، چرا که مسئولیت بلایا و مصائب تحمیل شده بر شیعیان را از دوش آنان برداشته و علمای وهابی را در نگاه جامعه شیعی مقصر جلوه می دهد. به لحاظ مذهبی شیعیان در معرض تبعیض دینی نظام مند، رسمی و قانونی قرار دارند. در سال 1927 علمای رده بالای سعودی فتوایی صادر کردند که بر تکفیر شیعیان دلالت داشت و بیان می کرد که «شیعیان حق ندارند اعمال دینی را بجا آورند و اگر این تحریم را زیر پا بگذارند، باید از سرزمین مسلمانان تبعید شوند.» حق شیعیان برای احداث مساجد یا رسیدگی به عبادتگاه های دینی خود به شدت محدود شده است. آنان مجاز نیستند هیچ نوع آثار مکتوب مذهبی درباره تشیع در اختیار داشته باشند.

از نظر فرهنگی هم مقامات سعودی نمادها و فعالیت های فرهنگی، جشن ها و مراسم

مذهبی و میراث تاریخی شیعیان را سرکوب کرده اند. استفاده از برخی اسامی شیعی نیز غیرقانونی است. در نظام آموزش و پرورش نیز تعالیم وهابی بر شیعیان تحمیل می شود. تغییر نام ایالت قدیمی «الحساء» به «ایالت شرقی» عنوانی فاقد محتوای فرهنگی نیز در همین زمینه صورت گرفته است. از اینرو این احساس در شیعیان ریشه دوانیده است که حکومت عمدتاً قصد نابودی و از میان بردن تمامی آثار و نمادهای فرهنگ شیعه را دارد (4).

تحلیل تبعیض های فرهنگی- مذهبی بر علیه شیعیان نشان می دهد یکی از مواردی که همواره موجب شده تا شیعیان به مبارزه مسلحانه و اقدامات اعتراض آمیز علیه حکومت دست بزنند، انکار هویت مذهبی و فرهنگی آنها بوده است. در واقع محرومیت های اقتصادی و سیاسی هر چند باعث شده تا شیعیان در انزوا قرار بگیرند و سکوت پیشه کنند، اما در مورد انکار نمادهای و آیین های مذهبی این سکوت را شکسته و همواره برای آن جنگیده اند.

## 2- تبعیض های سیاسی

به گفته ای. ام. ترنستروم، تأثیر تبعیض «در حضور کم رنگ و کم تعداد مقامات و صاحب منصبان اقلیت» نمایان می گردد. شریک کردن شیعیان در سطوح بالای قدرت و حاکمیت و برخورداری از میزانی از استقلال و اختیار از جمله مباحث و موضوعاتی است که هرگز موجب نگرانی و دغدغه خاطر سیاستگذاران حکومتی نشده و در نتیجه موجبات طرد و حذف شیعیان از عرصه های سیاسی را به دنبال داشته است. در حقیقت می توان گفت که به لحاظ سیاسی شیعیان از تمامی مشاغل مهم حکومتی محرومند و حتی در امور مربوط به مناطق خود نیز از حق خودمختاری و خودگردانی برخوردار نیستند. اینان هیچ نفوذی در حکومت سعودی ندارند و تنها اندکی از مشاغل دولتی را در دست دارند. این دور ماندن شیعیان از قدرت، موجب شده است تا آنها به لحاظ سیاسی در انزوا مانده و نفوذ خود را از دست بدهند. در واقع یکی از تبعیض های رسمی که به شکل جدی از سوی حکومت دنبال می شود اعمال محرومیت ها و رویه های تبعیض آمیز سیاسی است که باعث گردیده تا شیعیان در نهادها و ارکان مهم حکومتی جایگاهی نداشته و در موارد معدودی هم اگر شیعیان به مناصب سیاسی راه پیدا نموده اند، آن نهاد از اهمیت چندان مهمی برای حکومت برخوردار نبوده است. هر چند در مقاطعی با انجام گفتگوهای ملی میان حکومت و شیعیان، ورود شیعیان به نهادهایی چون مجلس شورای مشورتی و شوراهای استانی تحقق پیدا نمود، اما هیچ گاه به عنوان یک رویه منسجم از سوی حکومت دنبال نگردیده است.

## 3- محرومیت های اقتصادی

مصائب اقتصادی شیعیان استان شرقی، از سال 1913 همواره منشأ تنش و رویایی میان شیعیان و دولت سعودی بوده است. اشغال حساء نیز به وخامت شدید شرایط اقتصادی شیعیان این منطقه انجامید. در واقع استان الحساء از رفاه عمومی، که مشخصه بخش های دیگر کشور است، سهمی ندارد. این وضعیت طی دهه گذشته تا حدی بهبود یافته، اما فاصله همچنان چشمگیر است. شیعیان منطقه از کار اخراج می شوند، بخصوص از شرکت نفتی عربی - آمریکایی «آرامکو». باید اذعان داشت که اگر چه شیعیان تا دهه 1970 حدود 50 درصد از نیروی کار شرکت نفتی آرامکو را تشکیل می دادند، اما هرگز همچون هموطنان سنی خود از منافع این ثروت عظیم بهره مند نشده و از ورود آنان به مشاغل و مناصب ارشد نیز ممانعت به عمل آمده است. بدین ترتیب بیشتر شیعیان در مراتب میانی و پایینی سلسله مراتب اجتماعی - اقتصادی سعودی قرار می گیرند و شاخص های فرقه گرایانه در تحویل و تخصیص مشاغل در سطوح اجرایی همواره پیش روی آنها قرار داشته است (5).

1. « » .1312 14 . ( 1384 1385 ) 1392 . Michael Scott Doran, "The Saudi Paradox,"  
Foreign Affairs, (January – February 2004), at: <http://www.foreignaffairs.org>  
1389 724 : 1386 54-55 48-45